



قرآن و اخلاق زمامداری

علی اکبر عالمیان

مقاله حاضر به «اخلاق زمامداری از نگاه قرآن» می‌پردازد. آنچه در این تحقیق به آن دست یافته‌ایم، حدود ۲۰ شاخصه در این زمینه است که ممکن است در نگاهی جامع‌تر به آیات الاهی، مقدار این شاخصه‌ها نیز افزایش یابد. در این مقاله به این شاخصه‌ها اشاره خواهد شد.

اشاره



برای بررسی نگاه قرآن به اخلاق زمامداری و بایسته‌های اخلاقی زمامداران هرچند می‌توان به کلیاتی که در قرآن آمده تمسک کرد و اخلاق از دیدگاه این کتاب الاهی را تبیین کرد، اما با توجه به آیات گوناگونی که در قرآن آمده و مستقیم به موضوع حکومت و حکومت‌داری اشاره شده است، می‌توان به همین آیات درباره اخلاق زمامداری از نگاه این کتاب آسمانی اشاره کرد. در این باره بایستی به سه نکته اشاره کرد: پیامبران دولتمرد و زمامدار از نگاه قرآن، حکومت زمامداران صالح از دیدگاه قرآن، و مؤلفه‌های اخلاق زمامداری.

پیامبران دولتمرد و زمامدار

با بررسی آیات گوناگون قرآن می‌توان نام چند پیامبر را یافت که تشکیل حکومت داده، به اصطلاح، جزو پیامبران دولتمرد و زمامدار به شمار می‌آیند. این پیامبران عبارتند از: حضرت ذوالقرنین علیه السلام حضرت یوسف علیه السلام حضرت موسی علیه السلام حضرت طالوت علیه السلام حضرت داوود علیه السلام حضرت سلیمان علیه السلام و حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم. با وجود این که شأن حکومت‌داری از آن همه پیامبران الاهی است، فقط چند پیامبر به این مقام رسیدند. اینان دارای همان حکومت الاهی در قرآن هستند. حکومت الاهی حکومتی است که نه بر محور اراده فرد یا افراد می‌چرخد و نه بر محور اراده اکثریت مردم بلکه بر اساس اراده الله جل جلاله است و به یقین خداوند اراده‌ای جز تأمین مصالح واقعی بندگان ندارد. این نوع حکومت در انبیا و جانشینان راستین آن‌ها و کسانی که خط انبیا را ادامه می‌دهند تجلی یافته است.^۱ آیات گوناگون قرآن به حکومت‌های الاهی اشاره دارند. از جمله، حضرت سلیمان دارای حکومتی بی‌مانند بود. نام حضرت سلیمان بن داوود علیه السلام هفده بار در قرآن آمده است. خداوند درباره این پیامبر بزرگ می‌فرماید:

«وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ»^۲

ما سلیمان را به داوود علیه السلام بخشیدیم، چه بنده خوبی! زیرا همواره با خدا ارتباط داشت و به سوی خدا بازگشت می‌کرد و به یاد او بود. خداوند به اعطای حکومت گسترده به سلیمان نبی اشاره می‌کند و در ادامه این آیات می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَخِيذٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ. وَ الشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَ غَوَاصٍ. وَ آخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ. هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ. وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَ حُسْنَ مَآبٍ.»^۳

از پس آزمون سلیمان گفت: بار خدا! بر من بیخشای و سلطنتی و قدرتی عطایم بفرما که با هیچ کس دیگری بعد از من متناسب نباشد. و خداوند تقاضای او را پذیرفت و باد را مسخر کرد که نرم و آرام بر هر جا مایل بود، مسافرت می‌کرد. شیاطین جنی به خدمت او درآمدند و به کار بتایی ساختمان‌های عظیم و غواصی‌های عمیق مشغول شدند و آن دسته از شیاطین که تمرد می‌کردند، به بند و زنجیر کشیده می‌شدند. بعد از این عطاهای شگرف و شوکت و اقتدار وسیع و افسانه‌ای به سلیمان گفتیم: عطا می‌ماند ما این چنین است. اگر

خواهی منت گذار و به دیگران نیز عطا کن و یا نه امساک کن و عطا ویژه تو باشد، حساب و کتابی یا ایراد و سؤالی بر تو نیست. بعد از این که خداوند این همه شوکت را به سلیمان عطا کرد، او تصمیم گرفت معبدی باشکوه در بیت المقدس بنا کند. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

«وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرًا وَ رَوَّاحها شَهْرًا وَ أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الطَّيْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَل بَيِّنًا يُدْئِه بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَن يَزِغ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نَذْفُهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ. يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَاثِيلٍ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ سُكْرًا وَ قَلِيلًا مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ.»^۴

ما برای سلیمان باد را مسخر کردیم که صبحگاهان یک ماه مسافت و عصرگاهان یک ماه مسافت را طی می‌کرد. ما چشمه سرب و روی را برای او روان ساختیم. و برخی از پریان در حضور او به کارگری می‌پرداختند با رخصت از پروردگار سلیمان و هر یک از پریان را که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، با آتش سوزان گدازان تأدیب و تنبیه می‌نمودیم. پریان برای سلیمان طاق‌ها می‌ساختند و مجسمه‌ها و جام‌هایی به اندازه حوض‌ها و دیگرهای عظیم جا کرده در زمین. ای خاندان داوود! به شکرانه این موهبت و عطا خدمتی به درگاه خدا تقدیم کنید. بندگان ما بسیارند، ولی شاکران آنان اندکند.

پیامبر دیگر، حضرت داوود است که حکومتی عظیم داشت:

«وَ أَنَا اللَّهُ الْمَلِكُ وَ الْحَكِيمَةُ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ»^۵

خداوند حکومت و دانش را به او بخشید و از آن چه می‌خواست به او آموخت.

در جایی دیگر خداوند این نکته را به حضرت داوود متذکر می‌شود:

«يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»^۶

ای داوود! ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم، در میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی منما که تو را از راه خدا منحرف می‌سازد.

خداوند همچنین در آیاتی دیگر از داوود نبی این گونه یاد می‌کند:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالِ أُوْبِي مَعَهُ وَالطَّيْرِ وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ»^۷

و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ (ما به کوه‌ها و پرندگان گفتیم؛ ای کوه‌ها و ای پرندگان! با او هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گوید! و آهن را برای او نرم کردیم.

و «وَأَذَكُرُ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ»^۸

ای پیامبر!... به خاطر بیاور بنده ما داوود علیه السلام را که صاحب قدرت، و بسیار بازگشت‌کننده به خدا بود.

یکی دیگر از پیامبران دولتمرد که خداوند در یک سوره مستقل، روند رسیدن او به حکومت و حکومت‌داری‌اش را تشریح کرده، حضرت یوسف علیه السلام است که می‌توان ایشان را الگوی کارگزار حکومت اسلامی معرفی کرد. او که بر اساس مشیت الاهی، به عالی‌ترین مقام حکومتی دست یافته بود، حاکمی صالح به شمار می‌آمد.

۴- سبأ، ۱۲-۱۳

۵- بقره، ۲۵۱

۶- ص، ۲۶

۷- سبأ، ۱۰

۸- ص، ۱۷

۱- ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن (قم: انتشارات مدرسه الامام علی ابن ابی‌طالب، ۱۳۷۵) ج ۱، ص ۴۳

۲- ص، ۳۰

۳- ص، ۳۵-۳۴



خداوند در آیات ۵۴ تا ۵۶ سوره یوسف می‌فرماید:
 «وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ اَسْتَلْخِضُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ اَمِينٌ قَالَ اجْعَلْنِي عَلٰى خَزَائِنِ الْاَرْضِ اِنِّي خَفِيضٌ عَلَيِّمْ. وَكَذٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْاَرْضِ يَتَّبِعُوْا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نَصِيْبُ بَرَ حَمَتِنَا مِنْ نَّشْءٍ وَّلَا نَضِيْعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِيْنَ»

پادشاه گفت: «او (یوسف) را نزد من آورید، تا وی را مخصوص خود گردانم!» هنگامی که (یوسف نزد وی آمد و) با او صحبت کرد، (پادشاه به عقل و درایت او پی برد؛ و) گفت: «تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و مورد اعتماد هستی!» (یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزان سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» و این گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم، که هر جا می‌خواست در آن منزل می‌گزید (و متضرر نمی‌کرد) ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم (و شایسته بدانیم) می‌بخشیم؛ و پادشاه نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم!

یوسف نیز از این عنایت الهی شکرگزاری می‌کند:
 «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَاوِيْلِ الْاَحَادِيْثِ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَنْتَ وَّلِيٌّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّيْ مُسْلِمًا وَّالْحَقِيْقِي بِالصَّالِحِيْنَ»^{۱۰}

پروردگارا! بخشی (عظیم) از حکومت به من بخشیدی، و مرا از علم تعبیر خواب‌ها آگاه ساختی! ای آفریننده آسمان‌ها و زمین! تو ولی و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران؛ و به صالحان ملحق فرما.

حضرت طالوت نبی از دیگر پیامبران زمامدار است که در چند آیه از قرآن از او نام برده شده است. اشموئیل به فرمان خدا، طالوت را به فرماندهی بنی‌اسرائیل برگزید اما آنان بهانه‌جویی کردند و برای فرمانده و رئیس لشکر امتیازهایی از نظر نسب و ثروت لازم می‌دانستند که در طالوت یافت نمی‌شد. به همین سبب اعتراض کردند که ما از او سزاوارتریم. اشموئیل در پاسخ آن‌ها گفت که خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و (قدرت) جسم وسعت بخشیده است:

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ اِنَّ اللّٰهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوْتَ مَلِكًا قَالُوْا اَنْتَ اِنّٰى يَكُوْنُ لَهٗ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ اَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ اَصْطَفٰهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَّالْجِسْمِ وَّاللّٰهَ يُؤْتِيْ مُلْكُهٗ مَنْ يَّشَاءُ وَّاللّٰهُ وَّاسِعٌ عَلِيْمٌ»^{۱۱}

و پیامبرشان به آن‌ها گفت: «خداوند (طالوت) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با این که ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد و احسان خداوند، وسیع است و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است.

در ادامه نیز خداوند جریان فرماندهی طالوت بر بنی‌اسرائیل را این‌گونه تشریح می‌کند:

«فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوْتُ بِالْجُوْدِ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ مُبْتَلِيْكُمْ بَنَهْرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّيْ وَّمَنْ لَّمْ يَطْعَمْهُ فَاِنَّهٗ مِنِّيْ اِلَّا مَنْ اَعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهٖ فَشَرَبُوْا مِنْهُ اِلَّا قَلِيْلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزُوْهُ هُوَ وَّالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ قَالُوْا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوْتَ وَجُوْدُهٗ قَالَ الَّذِيْنَ يَظُنُوْنَ اَنْهُمْ مُّلَاقُوْ اللّٰهِ كُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيْلَةً عَلَبْتَ فَاِنَّهٗ كَثِيْرَةٌ بَاِذْنِ اللّٰهِ وَّاللّٰهُ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ»^{۱۲}

و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی‌اسرائیل منصوب شد، و) سپاهیان را با خود بیرون برد، به آن‌ها گفت: «خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می‌کند؛ آن‌ها (که هنگام تشنگی، از آن بنوشند، از من نیستند و آن‌ها که جز یک پیمانه با دست خود، بیش‌تر از آن نخورند، از من هستند» جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او و افرادی که با او ایمان آورده بودند، (و از بوته آزمایش، سالم به‌در آمدند) از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرات خود، ناراحت شدند و عده‌ای) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با (جالوت) و سپاهیان او را نداریم.» اما آن‌ها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز، ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان است. در مورد پیامبران دیگر هم خداوند اشاره‌هایی در آیات الهی خود دارد. برای نمونه درباره آل‌ابراهیم^{۱۳} می‌فرماید:



حضرت طالوت نبی از دیگر پیامبران زمامدار است که در چند آیه از قرآن از او نام برده شده است. اشموئیل به فرمان خدا، طالوت را به فرماندهی بنی‌اسرائیل برگزید اما آنان بهانه‌جویی کردند و برای فرمانده و رئیس لشکر امتیازهایی از نظر نسب و ثروت لازم می‌دانستند که در طالوت یافت نمی‌شد. به همین سبب اعتراض کردند که ما از او سزاوارتریم. اشموئیل در پاسخ آن‌ها گفت که خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و (قدرت) جسم وسعت بخشیده است.

۱۰- بقره، ۲۴۹
 ۱۱- بقره، ۲۴۹
 ۱۲- آل‌ابراهیم شامل بنی‌اسرائیل و یوسف و داود و سلیمان و غیر آن‌ها می‌شود.



«فقد آتينا آل ابراهيم الكتاب والحكمة واتيناهم ملكا عظيما»^{۱۳}

ما به خاندان ابراهيم كتاب آسمانی و حكمت بخشیدیم و حكومتی عظیم به آن‌ها دادیم.

لزوم زمامداری صالحان

آیات گوناگون قرآن بر لزوم زمامداری صالحان تاکید می‌ورزد و بدین ترتیب بر این نکته اشاره می‌کند که با زمامداری صالحان، اخلاق زمامداری نیز حاکم خواهد شد. قرآن از یک سو بر اهمیت و جود پیشوا و رهبر تاکید می‌کند. برای نمونه می‌توان به این آیات اشاره کرد:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ»^{۱۴}

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام ندهای! خداوند تو را از (خطرهای احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند.

«مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اطَّاعَ اللَّهَ»^{۱۵}

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده. «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^{۱۶}

و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است.

«يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يَظْلَمُونَ فَتِيلًا»^{۱۷}

(به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند؛ و به قدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود.

از سویی دیگر، این منصب را امانتی الهی می‌داند که باید به اهلس برسد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»^{۱۸}

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزهای خوبی به شما می‌دهد! خداوند، شنوا و بیناست. به اعتقاد علامه طباطبایی، حکومت و ولایتی که از جانب خداوند متعال به کسی محول می‌گردد، یا مردم به شخصی واگذار می‌کنند، از بزرگ‌ترین امانت‌هاست.^{۱۹}

و از دیگر سو، تحقق حکومت حاکمان صالح را از وعده‌های الهی می‌شمارد و بر آن تاکید می‌ورزد. برای نمونه در یک جا تاکید می‌کند که سنت خداوند متعال بر این است که شایستگان زمام امور را به دست بگیرند:

«وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِمَّا لَمْ يَأْتُوا بِهِ مُنْ قَبْلُ لَمَّا رُسِلَ اللَّهُ لَهُمْ

أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ»^{۲۰}

و هنگامی که آیه‌ای برای آن‌ها بیاید، می‌گویند: «ما هرگز ایمان نمی‌آوریم، مگر این که همانند چیزی که به پیامبران خدا داده شده، به ما هم داده شود!» خداوند آگاه‌تر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد! به زودی کسانی که مرتکب گناه شدند، (و مردم را از راه حق منحرف ساختند) در مقابل مکر (و فریب و نیرنگی) که می‌کردند، گرفتار حقارت در پیشگاه خدا، و عذاب شدید خواهند شد.

در آیه ۱۰۵ سوره انبیا نیز تاکید می‌کند که حکومت و سروری بر زمین برای بندگان صالح و شایسته است: «أَنَّ الْأَرْضَ بِرِثْهَا عِبَادِيَ الصَّالِحِينَ» و در آیه‌ای دیگر نیز تاکید می‌کند که خداوند مستضعفین را حاکمان زمین قرار خواهد داد:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَىٰ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^{۲۱}

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهمیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

زمامداران ناصح

همان گونه که در قرآن از زمامداران صالح نام برده شده است، زمامداران ناصح نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند. مصداق بارز حاکم ناصح، فرعون است که در قرآن بارها از او یاد شده است. آنچه به عنوان مصادیق اقدامات ضد اخلاق زمامداری او در قرآن ذکر شده را می‌توان این گونه شمارش کرد:

۱. ادعای خدایی: «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى»^{۲۲}

۲. قدرت طلبی: «فَوَدَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ...»^{۲۳} (و فرعون در میان مردمش بانگ برآورد او گفت: ای قوم من! آیا حکومت مصر و این نهرها که از زیر [کاخ‌های] من جاری است از آن من نیست؟) آیا نمی‌بینید،

۳. گمراه‌سازی جامعه: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ. إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلِكِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ»^{۲۴}؛ ما، موسی را با آیات خود و دلیل آشکاری فرستادیم. به سوی فرعون و اطرافیانش؛ اما آن‌ها از فرمان فرعون پیروی کردند؛ در حالی که فرمان فرعون، مایه رشد و نجات نبود!

۴. استکبار: «وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُزْجَعُونَ»^{۲۵}؛ او- فرعون- و سپاهیانش در زمین به ناحق سرکشی کردند و پنداشتند که ایشان به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند.

۵. اسرافکار: «مَنْ فِرْعَوْنُ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ»^{۲۶}؛ از فرعون که مردی متکبر و از اسرافکاران بود.

۶. تحقیر مردم: «فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِيقِينَ»^{۲۷}؛ پس قوم خود را سبک‌مغر گردانید در نتیجه اطاعتش کردند.

۲۰- انعام، ۱۱۴
۲۱- قصص، ۵
۲۲- نازعات، ۲۴
۲۳- زخرفه، ۵۱
۲۴- هود، ۹۷-۹۶
۲۵- قصص، ۳۹
۲۶- دخان، ۳۱
۲۷- زخرفه، ۵۴

۱۳- نساء، ۵۴
۱۴- مائده، ۶۷
۱۵- نساء، ۸۰
۱۶- وعد، ۷
۱۷- ابراهیم، ۷۱
۱۸- نساء، ۵۸
۱۹- المیزان، ج ۴، ص ۳۸۵



۷. تفرقه‌افکنی: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ...»^{۲۸}؛ فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند.

۸. مال‌اندوزی و تباخر: «وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ... وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ»^{۲۹}؛ فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی‌بینید؟»

۹. قدرت‌طلبی: «وَفِرْعَوْنٌ ذُو الْأَوْتَادِ»^{۳۰}

۱۰. عصیان‌گری: «ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَاهُ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ»^{۳۱}؛ آن‌گاه از پی آنان موسی و هارون را با آیات خویش به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم، ولی آن‌ها بزرگی کردند و قومی عصیان‌گرو بودند.

۱۱. اتهام‌زنی: «قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ»^{۳۲}؛ فرعون گفت: «پیامبری که به سوی شما فرستاده شده مسلمانا دیوانه است. و «قَالَ لِمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ»^{۳۳}؛ (فرعون) به گروهی که اطراف او بودند گفت: «این ساحر آگاه و ماهری است! و «قَالَ أَمْثَلْتُم لَه قَبْلُ أَنْ أَتَن لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُم السِّحْرَ» (فرعون) گفت: «آیا پیش از این که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ بی‌گمان، او بزرگ و استاد شماست که به شما سحر آموخته (و این یک توطئه است)!»

۱۲. استبداد: «قَالَ لئنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ»^{۳۴} (فرعون خشمگین شد و) گفت: «اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان قرار خواهم داد!» و «فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَا قُطْعَانَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا صَلْبَتِكُمْ أَجْمَعِينَ»^{۳۵}؛ اما به زودی خواهید دانست! دست‌ها و پاهای شما را به عکس یکدیگر قطع می‌کنم، و همه شما را به دار می‌آویزم!»

البته خداوند متعال، فقط از فرعون به عنوان زمامدار ناصالح یاد نمی‌کند بلکه از نمرود نیز به عنوان یکی از حاکمان ناصالح یاد شده است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ...»^{۳۶}؛ (آیندیدی (و آگاهی نداری از) کسی [نمرود] که با ابراهیم درباره پروردگارش مجاحه و گفت‌وگو کرد؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود (و بر اثر کمی ظرفیت، از باده غرور سرمست شده بود).

اخلاق زمامداری

با توجه به آن چه گفته شد می‌توان اشاره‌های قرآنی درباره پیامبران زمامدار را به عنوان بایسته‌های اخلاقی زمامداران مطرح کرد. این بایسته‌ها را می‌توان از منظری دیگر به عنوان ویژگی‌های زمامدار شایسته نیز به شمار آورد. از سویی دیگر آن چه در مورد فرعون گفته شد، به‌واقع ویژگی‌های سلبی اخلاق زمامداری است. اکنون

به ویژگی‌های ایجابی اخلاق زمامداری از دیدگاه قرآن می‌پردازیم:

۱. رعایت عدالت و مساوات

یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های اخلاق زمامداری، رعایت عدالت و مساوات در رفتار، کردار و گفتار است. این مهم در آیات گوناگون قرآن مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. خداوند به حضرت ابراهیم وعده می‌دهد که: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^{۳۷}؛ پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند). قرآن به عدل و احسان فرمان می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...»^{۳۸} و دستور می‌دهد که حاکمان بین مردم به عدالت رفتار کنند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...»^{۳۹}؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید! چرا که اخلاص در دین نیز مرهون همین است: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ... وَأَدْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»^{۴۰}؛ بگو: «پروردگارم امر به عدالت کرده است... و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید! (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) بازمی‌گردید.

در جایی دیگر نیز تأکید می‌کند که: «...فَأَتَتْهَا قَائِلًا مِّنْ رَبِّهَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^{۴۱}؛ و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آن‌ها را اشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد.

به همین دلیل است که در آیه ۲۶ سوره مبارک «ص» به حضرت داوود تأکید می‌کند: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»؛ ای داوود! ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم، در میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی منما که تو را از راه خدا منحرف می‌سازد، کسانی که از راه خدا گمراه شوند عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند.

یکی از عینی‌ترین مظاهر عدالت اجتماعی، حکومت حضرت یوسف است که فاصله فقیر و غنی را بسیار کم کرد و آرامش را برای مردمان آن سرزمین به ارمغان آورد. وی با اجرای اصل عدالت اقتصادی، موفقیت بزرگی در رساندن مردم به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه به دست آورد.

۲. ایمان به خدا

یکی دیگر از مؤلفه‌های اخلاق زمامداری از دیدگاه قرآن، ایمان به خداوند متعال و رعایت تقوا است. این مسأله درباره پیامبر بزرگ

۳۷- بقره، ۱۱۴
۳۸- نحل، ۹۰
۳۹- نساء، ۵۸
۴۰- اعراف، ۲۹
۴۱- حجرات، ۹

۲۸- قصص، ۴
۲۹- زخرفه، ۵۱
۳۰- ص، ۱۲
۳۱- یونس، ۷۵
۳۲- شماره ۲۷
۳۳- شماره ۲۴
۳۴- شماره ۲۹
۳۵- شماره ۲۵
۳۶- بقره، ۲۵۸



تواضع در برابر مردم است. خداوند در آیه اول سوره انشراح خطاب به پیامبر می‌فرماید: «الَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»؛ آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم؟

همچنین حضرت موسی هنگامی که دعوت خود را آغاز می‌کرد، نخستین خواسته‌اش از خداوند شرح صدر بوده است؛ چنان‌که می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»؛ پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن. خداوند در جایی دیگر نیز بر لزوم تواضع در برابر ملت تأکید می‌کند: «وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ»؛^{۴۲} بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر. در جایی دیگر هم می‌فرماید: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمَسَّ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»؛^{۴۳} با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد. همچنین در جایی دیگر تأکید می‌کند که: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا»؛^{۴۴} و روی زمین، با تکبر راه مرو! تو نمی‌توانی زمین را بشکافی، و طول قامتت هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد.

۵. صبر و استقامت

صبر و استقامت و ایستادگی در برابر ظلم از مهم‌ترین شاخصه‌های اخلاق زمامداری است. یکی از مهم‌ترین دستورهایی که خداوند به پیامبر بزرگوار اسلام داده، همین مساله است: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ»؛^{۴۵} پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن. و «اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ»؛^{۴۶} در برابر آن‌چه می‌گویند شکیبا باش.

اسلام به صراحت بیان شده است: «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ»؛^{۴۷} پیامبر، به آن‌چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می‌باشد. همچنین خداوند، شاخصه صالحان و حکومت آنان را اقامه فرامین الهی ذکر می‌کند: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛^{۴۸} همان کسانی که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست.

قرآن همچنین این خصیصه را از ویژگی‌های حضرت داوود ذکر می‌کند: «وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّلَبٌ»؛^{۴۹} ای پیامبر! ...به خاطر بیاور بنده ما داوود را که صاحب قدرت، و بسیار بازگشت‌کننده به خدا بود.

۳. بی‌توجهی به مظاهر دنیوی

از جمله شاخصه‌های اخلاق زمامداری، بی‌توجهی به مظاهر دنیوی و پرهیز از دنیاطلبی است. در آیه ۱۳۱ سوره طه بر لزوم پرهیز زمامداران دینی، از دنیاطلبی تأکید شده و آمده است: «وَلَا تَمُنَّ بِعَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ»؛ و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، میفکن! این‌ها شکوفه‌های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است.

۴- سعه صدر و تواضع در برابر مردم

یکی دیگر از شاخصه‌های اخلاق زمامداری، داشتن سعه صدر و

۴۵- طه ۲۵
۴۶- حجر ۸۸
۴۷- لقمان ۱۸
۴۸- اسراء ۳۷
۴۹- هود ۱۱۲
۵۰- ص ۱۷

۳۲- بقره ۲۸۵
۴۳- حج ۴۱
۴۴- ص ۱۷



یکی دیگر از شاخصه‌های اخلاق زمامداری، خوش اخلاقی و محبت به مردم است. پیامبر آن چنان نسبت به مردم مهربان و دلسوز بود که خداوند درباره ایشان می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛ گویی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی به خاطر این که آن‌ها ایمان نمی‌آورند.



نیز می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»^{۵۱}؛ به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است.

در جایی دیگر خطاب به پیامبر خدا آمده است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^{۵۲}؛ به (برکت) رحمت الاهی، در برابر آنان (مردم) نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را ببخش و برایشان آموزش بطلب؛ و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

همچنین در آیه دیگر به پیامبر دستور می‌دهد که با مستضعفین همراهی کند و مدافع و مواظب آنان باشد: «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ»^{۵۳}؛ با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و تنها رضای او را می‌طلبند! و هرگز به خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آن‌ها برنگیر.

۷. ساده‌زیستی

از جمله نشانه‌های اخلاق زمامداری از نگاه قرآن، ساده‌زیستی حاکم است. در آیات ۷ تا ۱۰ سوره فرقان، بر لزوم ساده‌زیستی و دوری از تجملات زمامداران اسلامی تاکید شده است: «وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا، أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا، انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا، تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيُجْعَلُ لَكَ قُصُورًا»؛ و گفتند: «چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟! (نه سنت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!) چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انذار کند (و گواه صدق دعوی او باشد)؟! یا گنجی (از آسمان) برای او فرستاده شود، یا باغی داشته باشد که از (میوه) آن بخورد (و امرار معاش کند)؟!» و ستمگران گفتند: «شما تنها از مردی مجنون پیروی می‌کنید!» «بین چگونه برای تو مثل‌ها زدند و گمراه شدند، آن گونه که قدرت پیدا کردن راه را ندارند! زوال‌ناپذیر و بزرگ است خدایی که اگر بخواهد برای تو بهتر از این قرار می‌دهد: باغ‌هایی که نهرها از زیر درختانش جاری است، و (اگر بخواهد) برای تو کاخ‌هایی مجلل قرار می‌دهد.

در آیه ۱۳۱ سوره مبارکه طه نیز تاکید شده است: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْسِهِمْ فِيهِ وَرِزْقٌ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ»؛ ای رسول ما! هرگز به متاع ناچیزی که به قومی در جلوه حیات دنیای فانی برای امتحان داده‌ایم چشم آرزو مگشا و رزق خدای تو بسیار بهتر و پاینده‌تر است.

۸. بینش و بصیرت

از جمله ویژگی‌های اخلاقی زمامداران، دارا بودن نعمت بینش و

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ»^{۵۴}؛ و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند. در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره فصلت درباره صبر می‌فرماید: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»؛ بدی دیگران را با بهترین روش دور کن، تا آن که میان تو و او دشمنی است همچون دوست گرم و صمیمی گردد. و از این خصلت بهره‌مند نشوند جز کسانی که صبر پیشه کنند و کسانی که دارای بهره‌ای بزرگ (از اندیشه و خرد) هستند.

۶. خوش اخلاقی و محبت به مردم

یکی دیگر از شاخصه‌های اخلاق زمامداری، خوش اخلاقی و محبت به مردم است. پیامبر آن چنان نسبت به مردم مهربان و دلسوز بود که خداوند درباره ایشان می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»^{۵۵}؛ گویی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی به خاطر این که آن‌ها ایمان نمی‌آورند. در آیه دیگری

۵۱- توبه، ۱۲۸
۵۲- آل عمران، ۱۵۹
۵۳- هکف، ۲۸

۵۴- سجده، ۳۴
۵۵- شماره ۳



می‌دهد: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ» پس دین شما برای شما و دین من برای من.

۱۱. دانایی و توانایی

از دیگر شاخصه‌های اخلاق زمامداری، داشتن دانایی و است. حضرت یوسف، دانایی و توانایی را از ضروریات‌های پذیرش مسؤولیت حکومتی می‌شمارد و خود را به صفت علیم و مکین وصف می‌کند: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»^{۶۳}؛ مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار که من نگاهبان (امین) و دانایم. در جایی دیگر نیز درباره دانایی و توانایی حضرت یوسف آمده است: «قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُزْزَقَاهُ إِلَّا نَبَأٌ تُكْتُمَا بِنَاوِيلِهِ قَبِيلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا دَلِيلًا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ»^{۶۴}؛ (یوسف) گفت: پیش از آن که جیره غذایی شما فرارسد، شما را از تعبیر خوابتان آگاه خواهیم ساخت. این، از دانشی است که پروردگارم به من آموخته است. من آیین قومی را که به خدا ایمان ندارند، و به سرای دیگر کافرند، ترک گفتم (و شایسته چنین موهبتی شدم).

مرحوم علامه طباطبایی درباره این شاخصه می‌نویسد: «کسانی که در سپردن مسؤولیت‌ها و کارها تنها به امانت و پاکی قناعت می‌کنند، به همان اندازه در اشتباهند که برای پذیرش مسؤولیت، داشتن تخصص را کافی بدانند. متخصصان خائن و آگاهان نادرست، همان ضربه را می‌زنند که درستکاران ناآگاه و بی‌اطلاع خواهند زد. منطق اسلام این است که هر کار باید به دست افرادی نیرومند و توانا و امین سپرده شود، تا نظام جامعه به سامان رسد. در بررسی علل زوال حکومت‌ها در طول تاریخ، عامل اصلی سپردن کار به دست یکی از دو گروه فوق بوده است.»^{۶۵}

۱۲. دشمن ستیزی

دشمن ستیزی یکی از شاخصه‌های حکومت‌داری و اخلاق زمامداری است. این نکته در قرآن و ذیل دو موضوع اصل جهاد در راه خدا و اصل نفی سبیل بیان شده است. در مورد اصل جهاد در راه خدا آیات گوناگونی وجود دارد که خداوند خطاب به پیامبر لزوم جهاد تاکید می‌فرماید. برخی از این آیات عبارتند از:

«و جاهدوا فی الله حق جهاده»^{۶۶}؛ و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید.

«انفروا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^{۶۷}؛ (همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید؛ سبکبار باشید یا سنگین‌بار! و با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاعْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»^{۶۸}؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است؛ و چه بد سرنوشتی دارند.

در مورد اصل نفی سبیل نیز آیات گوناگونی آمده است. از جمله این آیات عبارتند از: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»^{۶۹}؛ و خداوند هرگز بر زبان مؤمنان، برای کافران را تسلطی قرار نداده

بصیرت است. در سوره یوسف آیه ۱۰۸ آمده است: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»؛ بگو: «این راه من است من و پیروانم؛ و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم! منزله است خدا! و من از مشرکان نیستم- بینش و بصیرت حضرت یوسف در پیش‌بینی اوضاع سخت جامعه و تاکید او بر تلاش برای ذخیره‌سازی گندم، نشانه‌های آشکار بر بینش و دور اندیشی فراوان این پیامبر بزرگ خداست: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ»^{۷۰}؛ هفت سال با جدیت زراعت می‌کنید و آن چه را درو کردید، جز کمی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید (و ذخیره کنید).

۹. امانت‌داری

از جمله مؤلفه‌های اخلاقی زمامداران، رعایت امانت‌داری است. یکی از دلایلی که پادشاه مصر، حضرت یوسف را به پست و مقام رسانید، همین خصلت امانت‌داری اوست: «و قَالَ الْمَلِكُ اثْنُونِي بِهِ اسْتَحْلَصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدِينَا مَكِينٌ أَمِينٌ»^{۷۱}؛ پادشاه گفت: «او [یوسف] را نزد من آورید، تا وی را مخصوص خود گردانم!» هنگامی که (یوسف نزد وی آمد و) با او صحبت کرد، (پادشاه به عقل و درایت او پی برد و) گفت: «تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و مورد اعتماد هستی. به همین دلیل است که حضرت یوسف به پادشاه پیشنهاد می‌کند که او را مسؤول خزانه‌داری و امور مالی کشور گرداند: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»^{۷۲}؛ (یوسف) گفت: مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم. در جریان توطئه زلیخا نیز امانت‌داری یوسف کاملاً به اثبات رسید: «ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ»^{۷۳}؛ من از آن روی فرستاده پادشاه را برگرداندم که عزیز مصر بدانند در نهان به او خیانت نکردم و بدانند که خدا نیز ننگ خیانت‌کاران را به نتیجه نمی‌رساند. در ماجرای حضرت موسی هم دختر شعیب از امانت‌داری موسی نزد پدرش سخن می‌گوید: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»^{۷۴}؛ یکی از آن دو (دختر) گفت: پدرم! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد.

۱۰. شجاعت و صلابت

از جمله شاخصه‌های اخلاق زمامداری از نگاه قرآن کریم، دارا بودن قاطعیت، صلابت و شجاعت در رهبری حکومت دینی است: «إِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^{۷۵}؛ هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش! (و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. همچنین در قرآن سفارش شده است که مؤمنان در مقابل دشمنان احساس ترس نکرده و در برابر ملامت سرزنش‌کنندگان تسلیم نشوند: «فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^{۷۶}؛ پس اگر ایمان دارید از آنان ترسید و فقط از (مخالفت) من بترسید. همچنین در آیه پایانی سوره کافرون، خداوند به قاطعیت در اصول توسط رهبر جامعه دستور

۶۳- یوسف، ۵۵

۶۴- یوسف، ۲۷

۶۵- تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۶۷

۶۶- حج، ۷۸

۶۷- توبه، ۴۱

۶۸- توبه، ۷۳

۶۹- نسا، ۱۴۱

۷۰- یوسف، ۴۷

۷۱- یوسف، ۵۲

۷۲- یوسف، ۵۵

۷۳- یوسف، ۵۲

۷۴- قصص، ۲۶

۷۵- آل عمران، ۱۵۹

۷۶- آل عمران، ۱۷۵



است.

«لَا تَطْعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»؛ بنا بر این از کافران اطاعت مکن، و به وسیله آن (قرآن) با آنان جهاد بزرگی بنما.

۱۳. شکرگزاری از فرصت خدمت

زاممداری، فرصتی برای خدمت به خلق و به واقع موهبتی است که از سوی خداوند داده می‌شود. شکرگزاری از فرصت خدمت، یکی از مؤلفه‌های اخلاق زمامداری است. نمونه بارز آن، داستان حضرت سلیمان است که خداوند در آیاتی از قرآن به آن اشاره می‌فرماید: «وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فِيهِمْ يَوْمَئِذٍ حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِي التَّمَلِّ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ. فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدِي وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأُدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ»؛ سپاهیان سلیمان از پریان و آدمیان به وادی موران رسیدند. یک تن از مورچگان به خیل موران ندا داد که ای موران به لانه‌های خود اندر شوید تا سلیمان و سپاهیانش ندانسته شما را در زیر پا خرد نکنند. سلیمان سخن او را شنید و از آگاهی آن مور که سلیمان و سپاهیانش را می‌شناسد به شگفت اندر شد و با رضایت خاطر تبسم کرد و گفت: بارخدا! چندان مرا در دنیا نگهدار که فرصت یابم و شکر این نعمت را بگزارم که به من و پدر و مادرم عنایت کرده‌ای و بتوانم در مقام شکرگزاری خدمتی تقدیم کنم که مورد رضای تو باشد. بارخدا! تو مرا به رحمت خود، در سلک بندگان شایسته است درآور.

۱۴. خوش قولی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق زمامداری این است که زمامدار به قول و عهد خود وفادار باشد و به آن عمل کند. خداوند در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید.

۱۵. مردمی بودن

مردمی بودن و کسب مقبولیت و اعتماد مردم، از جمله اصلی‌ترین شاخصه‌های اخلاق زمامداری است. عینی‌ترین نمونه این شاخصه، حضرت یوسف است که خداوند در قرآن به آن اشاره می‌فرماید. برای نمونه در آیه ۳۶ سوره یوسف آمده است: «وَدَخَلَ مَعَهُ السَّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» و دو جوان، همراه او وارد زندان شدند یکی از آن دو گفت: من در خواب دیدم که (انگور برای) شراب می‌فشارم! و دیگری گفت: من در خواب دیدم که نان بر سرم حمل می‌کنم و پرندگان از آن می‌خورند. ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می‌بینیم.

مردمداری موجب می‌شود تا مردم نیز از حاکم اطاعت کرده، او را دوست بدارند و فرامینش را اجرا کنند: «ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادًا يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ. ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ

ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يَأْتُنَّ النَّاسُ وَفِيهِ يُغْصَرُونَ»؛ پس از آن، هفت سال سخت (و خشکی و قحطی) می‌آید، که آن چه را برای آن سال‌ها ذخیره کرده‌اید، می‌خورند جز کمی که (برای بذر) ذخیره خواهید کرد. سپس سالی فرامی‌رسد که باران فراوان نصیب مردم می‌شود و در آن سال، مردم عصاره (میوه‌ها و دانه‌های روغنی را) می‌گیرند (و سال پربرکتی است).

۱۶. راست‌گویی و صداقت

یکی دیگر از نشانه‌های اخلاق زمامداری، راست‌گویی و صداقت است؛ همان صفتی که حضرت یوسف نیز به آن شهرت داشت و به همین علت نیز مورد محبت و علاقه مردم قرار گرفته بود: «يُوسُفُ أَيُّهَا الصَّادِقُ إِفْتِنَا فِي سِنِّ بَقَرَاتِ سِمَانٍ يَا كَلْبُنَّ سِنِّ عِجَافٍ وَسِنِّ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأَخْرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ او به زندان آمد، و چنین گفت: یوسف‌ای مرد بسیار راست‌گو! درباره این خواب اظهارنظر کن که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر می‌خورند و هفت خوشه تر، و هفت خوشه خشکیده تا من به سوی مردم بازگردم، شاید (از تعبیر این خواب) آگاه شوند.

۱۷. شایسته‌سالاری (نهی خویشاوندسالاری)

از جمله اصلی‌ترین شاخصه‌های اخلاق زمامداری، نهی خویشاوندسالاری و پارتی‌بازی است که می‌توان از آن با عنوان شایسته‌سالاری یاد کرد. خداوند متعال بر این قضیه تاکید فرموده و در آیه ۱۰۵ سوره انبیا تاکید می‌کند که حکومت و سروری بر زمین برای بندگان صالح و شایسته است: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». عینی‌ترین مثال قرآن در این باره، جریان حضرت نوح است که وقتی متوجه شد فرزندش اهلیت ندارد، از حمایت او دست کشید: «وَتَأْتِي نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَخْكُمُ الْحَاكِمِينَ. قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تُشْأَلِنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطَكُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ. قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ»؛ نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا! پسر من از خاندان من است؛ و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است؛ و تو از همه حکم‌کنندگان برتری!» فرمود: «ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است» (فرد ناشایسته‌ای است!) پس، آن چه را از آن آگاه نیستی، از آن بپرهیز! من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی!» عرض کرد: «پروردگارا! من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم! و اگر مرا نبخشی، و بر من رحم نکنی، از زبان کاران خواهم بود.

۱۸. اصلاح‌گری

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق زمامداری این است که زمامدار به دنبال سعادت جامعه باشد و با تاکید بر اصل تزکیه و تعلیم، اصلاح جامعه را پی گیرد. خداوند، یکی از اهداف بعثت پیامبر اسلام را تعلیم آیات الهی، حکمت و تزکیه نفس بیان کرده است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...»؛ او کسی است که در میان جمعیت درس‌نخوانده، رسولی



خداوند متعال نگاه ویژه‌ای به بحث اخلاق و به‌ویژه اخلاق زمامداری دارد. قرآن کریم در بسیاری از آیات با صراحت و یا غیرمستقیم به این نکته اشاره کرده و همه زمامداران به‌ویژه زمامداران اسلامی را به این مهم فراخوانده است. مواردی چون بی‌توجهی به مظاهر دنیوی، بصیرت‌دانی و توانایی راست‌گویی و صداقت، حق‌گرای، ایمان به خدا، بی‌توجهی به مظاهر دنیوی، دشمن‌ستیزی و... از جمله مؤلفه‌هایی هستند که از نگاه قرآن بایسته‌های اخلاق زمامداری به شمار می‌آیند.



در آیه‌ای دیگر آمده است: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلِبُ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ...»^{۱۹} همان‌ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «أمی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزد خودشان است می‌یابند، آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر بازمی‌دارد، اشیا پاکیزه را برای آن‌ها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند.

نتیجه‌گیری

بر اساس آن چه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که خداوند متعال نگاه ویژه‌ای به بحث اخلاق و به‌ویژه اخلاق زمامداری دارد. قرآن کریم در بسیاری از آیات با صراحت و یا غیرمستقیم به این نکته اشاره کرده و همه زمامداران به‌ویژه زمامداران اسلامی را به این مهم فراخوانده است. مواردی چون بی‌توجهی به مظاهر دنیوی، بصیرت، دانایی و توانایی، راست‌گویی و صداقت، حق‌گرایی، ایمان به خدا، بی‌توجهی به مظاهر دنیوی، دشمن‌ستیزی و... از جمله مؤلفه‌هایی هستند که از نگاه قرآن بایسته‌های اخلاق زمامداری به شمار می‌آیند.

از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد.

قرآن، ارسپال پیامبران را منت خداوند بر بشر ذکر کرده و می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...»^{۲۰} خداوند بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آن‌ها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را پاک کند و کتاب و حکمت بپاموزد.

به همین دلیل است که هود پیامبر یکی از مهم‌ترین وظایف خود را اصلاح‌گری جامعه ذکر می‌کند: «إِنْ أَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ...»^{۲۱} تا آن جا که بتوانم جز اصلاح نمی‌خواهم و توفیق من منحصر با خداست...

۱۹. حق‌گرایی

دعوت مردم به سوی حق و دور ساختن آنان از باطل، از مهم‌ترین وظایف زمامداران صالح و از جمله شاخصه‌های اخلاقی آنان به شمار می‌آید. خداوند در آیه ۳۳ سوره توبه، یکی از علل ارسال رسل را همین مسأله می‌داند: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند. در جایی دیگر نیز می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ أُعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَىٰ اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّبَ عَلَيْهِ الضَّلَالَةَ فَمَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»^{۲۲}؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود.

همچنین در آیه ۲۵ سوره حدید آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آن که او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

۲۰. اجرای حدود الهی

یکی دیگر از اصلی‌ترین شاخصه‌های اخلاق زمامداری این است که در عین مهربانی و شفقت با مردم، در اجرای حدود الهی هیچ‌گونه سستی به خرج ندهد. خداوند در قرآن، این نکته را یادآور شده است: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَّقِ حُدُودَهُ يَدْخُلْهَا نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ»^{۲۳}؛ و آن کس که خدا و پیامبرش را نافرمانی کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند؛ و برای او مجازات خوارکننده‌ای است.

۱۷- آل عمران، ۱۶۴
۱۸- هود، ۸۸
۱۹- نحل، ۳۶
۲۰- ۸۰- نساء، ۱۴